مسئله اول: در قضای روزه ماه رمضان

- مکلف شب جنب شد و غسل را فراموش کرد و یک یا چند روز روزه می گیرد
  - شهید اول: تمام نمازها و روزه های این ایام را باید قضا بکند.
  - شهید ثانی: در مورد نماز بین فقها اختلافی نیست اما در مورد قضای روزه ها فقها دو دسته شدند
    - برخی قضای روزه را واجب نمی دانند
      - توضیح شروط عبادات
        - شرط واقعی
          - شرطی است که باید حتما با تکلیف باشد چه شما علم داشته باشید یا نداشته باشید
        - شرط علمی یا ذکری
          - شرطی است که حتما باید علم داشته باشی و در صورت جهل عبادت صحیح است
      - طهارت از جنابت شرط علمی یا ذکری برای صحت روزه است یعنی هر زمان که علم به جنابت داشت و عمدا غسل نکرد روزه اش باطل است و اگر جنابت را فراموش بکند روزه اش صحیح است
      - یک مؤید این است که قبلا گفته شد که اگر مکلف در ابتدای شب جنب شود و بخواید و بعد از طلوع فجر بیدار شود روزه اش صحیح است و اگر در طول روز عمدا غسل نکند باز روزه اش صحیح است
        - پس در مسئله نسیان باید به طریق اولی روزه اش صحیح باشد؛ چون در نام می دانسته که جنب شده و خوابید که بیدار شود در حالی که می توانست نخوابد، یک چیزی شبیه عمد در آن هست ولی در نسیان اصلا عمدی در کار نبوده است
    - می گویند که در این مسئله دلیل خاص داریم و این تحلیل ها به درد نمی خورد
      - در مسئله یک روایتی وجود دارد که صحیحه است (وسائل الشیعه ج ۱۰ ص. ۴۲۷) که می گوید نماز و روزه اش را قضا بکند
        - مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَئَابٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَيْمُونٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ الرَّجُلِ يُجْنِبُ بِاللَّيْلِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ ثُمَّ يَنْسَى أَنْ يَغْتَسِلَ حَتَّى يَنْقَضِيَ لِذَلِكَ خَمْسَةُ أَيَّامٍ يَخْرُجُ شَهْرُ رَمَضَانَ- قَالَ عَلَيْهِ قَضَاءُ الصَّلَاةِ وَ الصَّوْمِ
    - برخی قضای روزه را واجب می دانند
      - مقتضی اطلاق در بیان یک روز یا چند روز یا کل ماه رمضان است
      - برای زن حائض هم همین مطلب را می گوییم
      - در مورد نذر معین هم همین حکم را دارد
      - اشکال شهید ثانی به شهید اول
        - چرا با اینکه موضوعات خواب و بیدار شدن بعد از طلوع فجر و فراموش کردن و غسل نکردن یکی است حکمشان فرق می کند
      - علت احتمالی این است که شهید اول تصریح نکرده و شهید ثانی دارد تحلیل می کند
      - اشکال و پاسخ
        - تقریر استاد سر کلاس
          - بین این دو مسئله فرق است
            - منظور از نائم نائمی است که واقعا قصدش این بوده که قبل از طلوع فجر بیدار بشود و غسل بکند و به خاطر این قصد به او ارفاق شده است
            - اما در مورد نائمی چون از شب می دانست که جنب است اما همان وقت غسل نکرد و بعد فراموش کرد کاله تفریط نموده لذا قضا بر او واجب است
        - جناب شهید ثانی تصریح کرده که ربما جمع بینهما ولی با این روش ما جمع نکردیم بلکه فرق ایجاد کردیم؛ باید در پاسخ اول بتوان بین نائم و نائمی جمع کرد
        - نقد من
          - در مورد نسیان هم ظرف قصد غسل قبل از طلوع فجر را داشته ولی فراموش کرده است
          - کلا نسیان زمانی معنا دارد که عزمی باشد و اگر کسی عزم نکند عامد است و نه نائمی
        - پاسخ استاد
          - نائمی می تواند عازم نباشد؛ ولی با وجود توضیح زیاد توسط استاد نفهمیدم که چطور می شود تصویر کرد که قبل از نسیان عزم نداشته باشد ولی عامد نباشد
        - پاسخ های احتمالی شهید اول از زبان شهید ثانی
          - اینکه نائمی و نائم با اینکه هر دو غیر مکلف هستند و فرقی از این جهت بینشان نیست پس چرا حکمشان با هم فرق می کند
            - وجه جمع در این حالت به این شکل می تواند باشد که
              - اینکه نائم را بر حسب علم و عزم تقسیم کنیم به
                - عالم عازم
                - محل بحث در اینجا است
                - به علت عزم او بر غسل شارع به او تخفیف داده و قضا را بر او واجب نکرده
                - بررسی
                  - معنای عازم بودن نائم این است که قبل از نوم عزم غسل داشته است 1
                  - تائید به ۱) می گوییم که معنای نسیان هم این است که قبل از نسیان عزم بر غسل داشته ولی یادش رفته؛ بلکه اصلا معنا ندارد که به کسی که عزم بر کاری نداشته بگوییم که فراموش کرده آن کار را بکند؛ چون اصلا نمی خواسته آن کار را بکند 2
                  - جواب۲) کسی که نائم است در مظان تذکیر نیست ولی، کسی که نائمی است در مظان تذکیر است و عدم یادآوری او در طول زمان نشان دهنده کوتاهی او است 3
                  - جواب۳) اگر منظور از در مظان تذکیر بودن نائمی در همان حالی است، که نائمی است که باطل است و اگر منظور این است که در مظان تذکیر است به اینکه سیمایش برطرف شود می گوییم که نائم هم با برطرف شدن خوابش یعنی بیدار شدن در مظان تذکیر است 4
                  - نتیجه 5
                    - نائمی همانند نائم نباید قضا بر او واجب باشد
                - غیر عالم غیر عازم
                  - مثل نائمی است و بلکه خود نائمی است و حکمش با نائمی یکی است
                - عالم غیر عازم
                  - این حالت که عامد است
                - غیر عالم عازم
                  - معنا ندارد و محال است
            - وجه جمع در این حالت به این شکل می تواند باشد که
              - اینکه نائمی اعم از این است که نائم باشد یا نباشد و نائم اعم از این است که نائمی للغسل باشد یا نباشد پس نسبتشان عموم و خصوص من وجه است و وجه اجتماعشان نائمی نائم است مقتضی آنچه قبلا گفته شده بود عدم وجوب قضا بر این شخص است و مقتضی بیان اینجا وجوب قضا
              - می توان هم به این شکل جمع کرد که مضمون روایت در مورد کسی است که غسل را فراموش بکند تا ماه رمضان تمام بشود
            - شماتیک

            - در واقع اینجا طبق تقریر دوم است و به این شکل است که قسمت نائم غیر نائمی و کل نائمی مد نظر قرار گرفته که این دو با هم متباین هستند
            - بگوییم نائمی به اطلاق باقی بماند و نائم تخصیص بخورد به نائمی که عالم و عازم است که این دو مسئله با هم تنافی دارند و وجه جمعی باقی نمی ماند
          - سوال را به دو شکل می شود تقریر کرد
          - تقریر من از بحث به کمک حاشیه نراقی
    - شهید ثانی: در مورد نماز بین فقها اختلافی نیست اما در مورد قضای روزه ها فقها دو دسته شدند
      - برخی قضای روزه را واجب نمی دانند
        - تا قبل از لحظه زوال می تواند این روزه را بشکند
          - ما بینه و بین الزوال
            - از زمانی که آن شخص در آن هست تا زوال
              - با توجه به اینکه تا قبل زوال وقت نیت کردن دارد یک حالتی که ذیل همین است این است که از لحظه ای که نیت بکند که ممکن است بعد از فجر تا قبل زوال باشد؛ تا چند لحظه قبل از زوال
            - از زمان طلوع فجر
          - اگر بعد از زوال یا لحظه زوال بشکند
            - کار حرامی انجام داده است
            - ده تا مسکین را هر مسکین یک مد طعام اطعام بکند
              - یک مد یعنی ۷۵۰ گرم یا سه چهارم کیلو
                - طعام هم گندم جو نان و غیر آنها از طعام های متوسط
                - اگر هم دعوت بکند سر سفره به میزان سیر شدن فقیر باید بدهد
            - اگر نمی تواند طعام بدهد سه روز روزه بگیرد
            - از لحظه شکستن هم دیگر نمی تواند مفطری انجام بدهد و اگر مفطری انجام بدهد تکرار کفاره می شود
        - اگر در سعه بود
          - در قضا غیر ماه رمضان مثل قضای نذر معین نباید بشکند ولی اگر شکافد گناهی بر او نیست و می تواند بعدا بگیرد
            - یک قیل هست که اگر بشکند کار حرامی انجام داده است
              - برای اینکه بفهمیم که کاری حرام هست یا نه نیاز به دلیل داریم اینجا هم آیه ۳۳ سوره محمد اعمال خود را باطل نکنید
                - (یَاأَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَطِیعُوا اللَّهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ وَ لا تُبْطِلُوا أَعْمالَکُمْ) (محمد ۳۳
                - لاتبطلوا نهی است و نهی ظهور در حرمت دارد
                - افعال شامل مستحب و واجب می شود اما مستحب را دلیل خاص داریم که می شود باطل کرد
                - ? نقد
                  - چرا استدلال به این آیه از نظر شهید اول و ثانی درست نیست
          - همه واجب های غیر معین مثل نذر مطلق و کفاره هم اینچنین هستند
        - اگر در ضیق باشد
          - در این حالت مطلقا نمی تواند روزه را بشکند و اگر روزه را بشکند گناه کرده ولی کفاره ندارد
            - ضیق وقت یعنی تا رمضان بعدی وقت کمتری از روزهایی که باید قضا کند باقی باشد با ظن وفات برایش حاصل شود
            - علت کفاره نداشتن؛ اثبات کفاره امری است تعبدی امر تعبدی نیاز به دلیل شرعی دارد و در اینجا هیچ دلیل شرعی بر کفاره وجود ندارد
            - اما باید بعد از ماه رمضان به جای هر روز روزه یک مد طعام به فقیر بدهد

تهیه کننده: عقیل رضانسب
www.talabaqi.blog.ir
طلبگی یعنی پا به رکابی